

الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود

علی اصغر پورعزت*، حوریه باغستانی برزکی**، مصطفی نجاتی آجی بیشه**

طرح مسأله: این پژوهش به مطالعه چند نمونه معتبر منشور و اعلامیه حقوق شهروندی و حقوق بشر در جهان برای ارایه یک الگوی به‌گزینی شده منشور حقوق شهروندی معطوف شده است، با این دیدگاه که این اقدام مقدمه‌ای برای طراحی نظام‌های آگزیماتیزه حقوق شهروندی بر اساس نیازها و مصالح آینده جامعه بشری تلقی شود.

روش: روش‌های مورد استفاده در این پژوهش، روش مطالعه تطبیقی، تحلیل محتوای کیفی و تحلیل منطقی بوده است؛

یافته‌ها: به نظر می‌رسد که تحقق حقوق شهروندی انسانی مستلزم برخورداری از حق احترام برابر، آزادی، امنیت، آسایش، آگاهی و حق پیشرفت است. البته در برابر این حقوق، تکلیفی بسیار مهم بر عهده عناصر اجتماعی قرار می‌گیرد که عبارت است از "تکلیف به مساعدت مسئولانه در سیستم اجتماعی".

نتایج: همه قوانین و مقررات شهری باید مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول منطقی بوده و مسئولان خدمات شهری باید کلیه موانع و مشکلاتی را که موجب نقض این اصول می‌شوند برطرف نمایند. بر این اساس، مبانی تدوین منشور حقوق شهروندی بر اساس یک نظام منطقی فراهم می‌آید.

کلید واژه‌ها: توانمندسازی عامه، جامعه انسانی مطلوب، حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی،

مشارکت شهروندان

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۵/۲۶

* دکترای سیاست‌گذاری دولتی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران <pourzatzat@ut.ac.ir>

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه تهران

مقدمه

بشر در سیر تلاش خود برای نیل به جامعه آرمانی، ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی را در اندیشه خویش به تصویر کشیده است. شرح این تلاش‌ها در توصیف آرمان‌شهرهای بشر ساخته بسیار است (اصیل، ۱۳۸۱). البته زندگی خیالی در آرمان‌شهرها آن‌چنان هم که به نظر می‌رسد، موهوم و بی‌تأثیر بر جهان واقع نیست و به‌طوری که کارل ویک تصریح می‌کند، در جهان واقع انعکاس می‌یابد (Morgan, 2006: 136-140; Scott & Davis, 2007: 104-105).

اگر تصویرگری یک وضعیت مطلوب، اقدام اولیه برای هدف‌یابی نقطه شروع حرکت انسان‌های ناراضی از وضع موجود تلقی شود و نیل به مشخصه‌های جامعه آرمانی در آخرین مراحل این سیر خیالی مدنظر قرار گیرد، ورود مستمر به واقعیت‌های آینده در حال وقوع، مرحله‌ای پویا در میان این سیر بی‌انتهاست.

در جریان همین پرداختن به آینده نزدیک است که بشر به تدوین قوانین ناظر بر رفتار جامعه شهری می‌پردازد؛ از این رو، هدف پژوهشگران این است که با مطالعه مجموعه‌ای از منشورهای حقوق شهروندی و مجموعه قوانین ناظر بر زندگی شهری، برای تدوین یک منشور حقوق شهروندی حتی المقدور به‌گزینی شده‌تر و منطقی‌تر مبادرت نمایند. بنابراین در ابتدا به بررسی اهمیت حقوق شهروندی می‌پردازیم.

هزاره جدید در حالی آغاز شد که نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، نرخ شهرنشینی در دنیا به ۶۵ درصد خواهد رسید. پس از نخستین مجمع مباحثه جهانی در سال ۲۰۰۱ میلادی، با توجه به این واقعیت و نیاز برای مواجهه با پیامدهای آن، سازمان‌ها و جنبش‌های زیادی در تعامل با هم، چالش‌های ایجاد یک مدل پایدار زندگی شهری بر اساس اصول همبستگی، آزادی، برابری، عزت، و عدالت اجتماعی را مورد بحث و تفکر قرار دادند تا بتوانند تعادلی میان فرهنگ شهری و روستایی برقرار نمایند (Unesco, 2004)؛ مدلی که می‌توان شالوده آن را در اسناد حقوق شهروندی منعکس ساخت.

هدف اصلی تدوین منشور شهروندی در هر اجتماع، بهبود کیفیت خدمات عمومی

است که این مهم از طریق تصریح بر قوانین موجود و افزایش آگاهی شهروندان میسر می‌شود (Department of Administrative Reforms and Public Grievances, India, 2002). در عصر حاضر به لحاظ افزایش سطح ارتباطات اجتماعی و به‌ویژه با توجه به افزایش سطح سواد و توانایی مردم، وجود یک سند پایه که بتوان مفاد آن را به مثابه مبانی اولیه مباحثه درباره حقوق شهروندی تلقی کرد، اثر فوق‌العاده‌ای بر افزایش توانمندی عامه مردم در احقاق حقوق خویش در جوامع بشری خواهد داشت.

(۱) مبانی نظری پژوهش

قابل تأمل است که اسناد حقوق بشر به نوعی اسناد مبنایی و بنیادی اسناد حقوق شهروندی تلقی می‌شوند؛ در بسیاری از موارد ملاحظه می‌شود که اسناد حقوق شهروندی حاصل بسط و توسعه اسناد حقوق بشرند. از این رو، این فراز از بحث با بررسی سیر تاریخی تدوین اسناد حقوق بشر آغاز شده است.

اسناد قدیمی تبیین‌کننده حقوق انسانی، نظیر ماگنا چارتای (۱۲۱۵)، سند حقوق انگلیسی (۱۶۸۹)، بیانیه فرانسوی حقوق مردم و حقوق شهروندی (۱۷۸۹)، و قانون اساسی آمریکا (۱۷۹۱)، از جمله اسناد نوشتاری مهمی هستند که به مثابه مبنای تدوین بسیاری از اسناد حقوق بشر امروز، مد نظر قرار گرفته‌اند. هرچند این باور که هر انسانی به‌خاطر انسان بودنش از یک سری حقوق انسانی خاص برخوردار است، نسبتاً جدید است، ولی ریشه آن به سنت‌های قبلی و اسناد ثبت شده در بسیاری از فرهنگ‌ها بر می‌گردد. جنگ جهانی دوم از مهم‌ترین حوادثی بود که به جهانی شدن بحث حقوق انسانی سرعت بخشید و آن را مورد توجه وجدان جهانی قرار داد.

قابل تأمل است که در مدت چند دهه‌ای که از اعلان اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌گذرد (۱۹۴۸)، تغییرات سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک، فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیک و علمی زیادی در جهان رخ داده است که عمیقاً بر توسعه دانش درباره حقوق بشر، ساز و کارهای اجابت آن، و قدرت و تأثیر

جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراض‌آمیز علیه نقض آن موثر بوده است. بدین ترتیب حقوق بشر مستمراً در معرض تجدیدنظر است و می‌توان گفت که یک میراث قضایی جهانی در حال شکل‌گیری و استحکام یافتن است. بنابراین، حقوق بشر به صورتی پایدار تعریف نمی‌شود؛ زیرا هر تکامل اجتماعی یا فنی، ممکن است موجب پیچیده‌تر شدن ارتباطات انسانی شده، موقتاً راه‌های جدید را برای سلطه یا چپاول انسان‌ها فراهم نماید. از این رو با گذشت زمان لازم است نواقص احتمالی اسناد مرتبط با آن را مورد تجدید نظر قرار داد؛ همان‌گونه که اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز از طریق میثاقین الحاقی به نحو مقتضی مورد بازنگری و تعدیل قرار گرفته است تا مجموعه حاضر فراهم شود.

در واقع اسناد حقوق بشر، همواره نتیجه موقت یک فراگرد پایان نیافته تلقی می‌شود که در معرض تحول دائمی قرار دارد و بر حسب ضرورت‌های در حال ظهور در تمدن بشری، برای حمایت از ایجاد جامعه‌ای بین‌المللی، مدنی و سازمان یافته هدایت می‌شوند (Institut de Drets Humans de Catalunya, 2004).

با نگاهی به ادوار کلاسیک، اهمیت تدوین منشور حقوق شهروندی بهتر درک می‌شود. در روزگار ارسطو، شهروندی در دولت - شهرهای یونانی، به معنی برخورداری از امتیازی خاص بود که از زمان تولد ایجاد می‌شد. ارسطو بر این عقیده بود که آدمیان برابر نیستند و بر اساس دیدگاه او فقط عده کمی از انسان‌ها، به واقع شهروند محسوب می‌شدند. ولی امروزه حقوق شهروندی بر حقوق برابر برای عضویت در یک اجتماع سیاسی خاص دلالت دارد؛ برای مثال، دیوید هلد بر آن است که همه انواع شهروندی مستلزم تعامل حقوق و وظایف اجتماعی متقابل است. هیل نیز معتقد است که شهروندی متضمن عضویت در یک جمعیت (دولت) و سیستمی از حقوق و الزاماتی است که عدالت و برابری را در جامعه محقق می‌سازد (CiPfa, 1994).

با مطرح شدن تعهدات جدید درباره حقوق اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها در جامعه جهانی و طرح بحث از حکمرانی مشارکتی و تسری آن به سطح جوامع شهری، زمینه شکل‌گیری جنبش جدیدی برای تدوین نظام بین‌المللی حقوق شهری و شهروندی فراهم

آمد؛ اولین فعالیت‌ها از اروپا و چند شهر آمریکای شمالی آغاز شد و تلاش گردید تا حقوق و قوانین شهری، با منشور حقوق بشر هم‌نوا گردد. با این حال، منشورهای تدوین شده از حیث تنوع، تعداد، و گستره موضوعات با هم تفاوت دارند. بنابراین، هنوز مسیر زیادی باید طی شود که یک الگوی جهانی برای حقوق شهروندی تدوین شود (Drewry, 2005). با این حال به ذکر الگوی جهانی موجود برای حقوق شهروندی می‌پردازیم. به‌طور طبیعی، اولین منشورهای تدوین شده، تأثیر زیادی بر منشورهای بعدی داشته‌اند. برای مثال در بسیاری از کشورهای اروپایی انواع گوناگونی از توافقنامه‌های خدماتی، تحت تأثیر منشور حقوق شهروندی بریتانیا تدوین شده‌اند و مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Madell, 2005). منشورهای خدماتی را می‌توان ابزاری مدیریتی تلقی کرد؛ ابزاری برای ارائه خدمات عمومی به کاربرانی که به‌طور مستقیم از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند؛ ابزاری که موجب افزایش سطح پاسخ‌گویی، تغییر در فرهنگ خدمت‌رسانی، تمرکز بر نیازهای اجتماعی سطوح متفاوت مردم، و تضمین کیفیت خدمات شهری می‌شود. بدین ترتیب منشور حقوق شهروندی بریتانیا موجب یکسان‌سازی بسیاری از مفاد حقوق مصرف‌کنندگان و حقوق شهروندی شد (Clifton, 2005). قابل تأمل است که معمولاً فواید حاصل از تدوین منشور حقوق شهروندی عاید کل شهروندان می‌شوند و به‌ویژه افراد فقیر و اقشار آسیب‌پذیر و تهی دست جامعه از منافع آن بهره‌مند می‌گردند؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن این مهم که بر حقوق متقابل کارگزاران بخش عمومی، کاربران خدمات عمومی، و عامه شهروندان نسبت به یکدیگر، تأکید دارد (Pollitt, 1994).

مفهوم مشارکت و شهروندی فعال، مستلزم برخورداری از حق، وسیله، فضا، فرصت، و در صورت لزوم پشتیبانی و حمایت برای حضور و تأثیرگذاری در تصمیم‌ها و نیز درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی برای کمک به ساخت جامعه‌ای بهتر است (ERYICA, 2003). اگر چنین مفهومی از حقوق شهروندی انتشار و پذیرفته گردد، فضای مساعدتری برای احقاق حقوق بشر فراهم می‌شود، به طوری که گاهی توصیه می‌شود که با استفاده از ابزارها و محیط‌های آموزشی، از آگاه‌سازی و آموزش کودکان آغاز شود

تا جلوی شکل‌گیری تصورات کلیشه‌ای آن‌ها درباره تفاوت جنسیت‌ها گرفته شود (Eredi Gutenberg Cooperative Social, 2006) و تفاوت‌های نژادی، قومی، و زبانی به طور معقول‌تری توسط آنان ادراک شود و امکان ترویج نگاهی جهان‌شمول به برابری انسان‌ها به مثابه شهروندان جهانی فراهم آید. این مهم بارها در مستندات، اسناد، و موافقت‌نامه‌های سازمان ملل متحد، و همچنین در آثار پژوهشگران مورد اشاره قرار گرفته و تأکید شده است که مردم باید از خود، به منزله شهروندان جهانی تصویری واضح داشته، مسئولیت‌های خود را در قبال الزامات توسعه پایدار درک کنند (Bahai International Community Office of Environment, 2006).

مفهوم شهروند جهانی را می‌توان بر مبنای میزان و درجه‌ای که یک فرد نسبت به اجتماع و هویت خویش و متعلقات آن، اعتقادات و فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی، و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی حساسیت دارد، ارزیابی کرد (Our World Organization, 2006).

نکته جالب این است که منشورهای حقوق شهروندی در مقایسه با منشورهای حقوق بشر، به لحاظ گستره کوچک‌تر شهرها، در مناطق محدودتری شکل گرفته‌اند. حال اگر قرار باشد که یک منشور حقوق شهروندی جهانی تدوین شود، باید از ویژگی‌های محلی و فرهنگ منطقه‌ای مبرا گردد. از این رو تأکید می‌شود که در نهایت ساختار منشور حقوق شهروندی باید از استحکام منطقی برخوردار باشد. بدین ترتیب، هرچند با استفاده از روش‌های متعددی مثل مطالعه اسناد و مدارک و مطالعه تطبیقی، می‌توان به تدوین چنین منشوری همت گماشت، به نظر می‌رسد که در کنار همه این روش‌ها، استفاده از روش تحلیل منطقی شأن ویژه‌ای دارد. اما نکته مهم این است که منشور نمونه باید از جامعیت و کفایت لازم برای تبیین انواع گوناگون روابط اجتماعی شهروندان، با توجه به تنوع فرهنگ‌های بشری در سطح جهان برخوردار باشد. بنابراین مطلوب آن است که منشورهای مبنایی و منتخب حتی المقدور از فرهنگ‌های متنوع‌تری انتخاب شوند.

۲) روش تحقیق

۲-۱) نوع مطالعه

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و مدارک صورت می‌گیرد و هنگامی از اسناد و مدارک استفاده می‌شود که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد و یا آنکه تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق برای دستیابی به اطلاعات و تولید دانش جدید نیازمند به استفاده از اسناد و مدارک موجود باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۵۶). قابل تامل است که در این تحقیق حتی‌المقدور سعی شده است که از منابع و داده‌های اولیه (خاکی، ۱۳۷۸: ۲۳۹) استفاده شود؛ از این‌رو در این پژوهش از منشورهای حقوق شهروندی استفاده شده است.

۲-۲) روش جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات

الف) روش مطالعه تطبیقی: در این روش با در نظر گرفتن برخی از ویژگی‌ها که احتمالاً در جوامع گوناگون وجود دارند، آن جوامع را از حیث ویژگی‌های مذکور مورد بررسی قرار می‌دهند. حاصل مطالعه تطبیقی ممکن است رسیدن به یک الگوی رهنما و به‌گزینی^۱ شده باشد (پورعزت، ۱۳۸۲: ۱۰).

ب) تحلیل محتوا: در روش تحلیل محتوای کمی، کمیت و میزان تکرار داده‌ها (اصطلاحات و واژگان) در اسناد گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرند (سرمد و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۳۲)؛ در حالی که در تحلیل محتوای کیفی، نحوه استفاده از آن‌ها با توجه به متن مورد توجه قرار می‌گیرد (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵۰).

ج) تحلیل منطقی: در روش تحلیل منطقی^۲ با تکیه بر فراگردهای استنتاج و استنباط منطقی، به تحلیل روابط بین حدود و تعاریف، گزاره‌ها و احکام پرداخته و تعدادی اصل

-
1. Benchmark
 2. Logical Analytical Method

زیربنایی (آگزایوم)، و قضیه مبتنی بر آن‌ها (تئورم) استخراج می‌گردد و نظام منطقی نهایی بر این اساس طراحی می‌گردد (نبوی، ۱۳۶۹ و ۱۳۸۴). بدیهی است که یک نظام منطقی نباید ناسازگار باشد؛ ضمن این‌که باید در طراحی آن از زیاده‌گویی یا همان‌گویی اجتناب گردد (کشفی، ۱۳۸۱).

با توجه به روش‌های ذکر شده، هنگامی که مقصود از طراحی، تدوین یک منشور شهروندی به گزینی شده، به صورت آگزایوماتیزه باشد، می‌توان مراحل ذیل را طی کرد:

(الف) بررسی برخی از نمونه‌های منتخب منشورهای حقوق شهروندی و مطالعه تطبیقی آن‌ها؛

(ب) انتخاب حدود (تعاریف) و مفاهیم اصلی از میان واژگان منشورهای منتخب؛

(ج) گزینش عناصری از اصول و قضایای مبنایی از میان منشورهای منتخب؛

(د) تحلیل مقایسه‌ای محتوای منشورهای منتخب؛ از حیث چشم‌انداز آینده، مبانی ایدئولوژیک، مبانی فرهنگی و مبانی علمی حقوقی؛

(ه) تدوین مجموعه‌ای به گزینی شده (مجموعه‌ای از اصول و قضایای منطقی مبتنی بر آن‌ها)؛

(و) تدوین منشور نهایی حقوق شهروندی (پورعزت، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۲).

۲-۳) روش نمونه‌گیری

واحد این مطالعه، منشور^۱ است. بنا به تعریف آکسفورد، منشور بیانیه‌ای مکتوب از حقوق گروه مشخصی از مردم است؛ یعنی موافقت‌نامه‌ای که توسط فرد یا افرادی از جامعه نوشته می‌شود و براساس آن روابط و حقوق متقابل اعضای یک ساختار اجتماعی نظیر یک دانشگاه یا شهر شکل می‌گیرد.

روش نمونه‌گیری (انتخاب اسناد) در این پژوهش، روش هدف‌مند است. در این روش به جای مراجعه به عناصر یا نمونه‌های در دسترس، به نمونه‌هایی که از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند مراجعه می‌شود (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۰۹). این روش را با توجه به نوع ویژگی موردنظر پژوهشگران به کار می‌برند (دلاور، ۱۳۷۹: ۱۱۲). بنابراین، در این

1. Charter

پژوهش مجموعه‌ای از منشورهای حقوق شهروندی، هر کدام به دلیلی خاص، انتخاب شده و مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند تا مقدمه‌بازپردازی یک منشور به‌گزینی شده فراهم آید. محققان تلاش کرده‌اند تا ضمن در نظر گرفتن اعتبار منشورهای انتخابی (بر حسب قدمت و ماندگاری، گستره نفوذ و اثرگذاری و میزان ارجاعات در سایر منشورهای حقوق شهروندی)، حتی‌المقدور از همه قاره‌های جهان منشوری را برگزیده و مورد بررسی قرار دهند تا حتی‌المقدور تنوع فرهنگ‌ها و ویژگی‌های جوامع گوناگون را مدنظر پژوهشگران قرار دهد. دوم این‌که تلاش شده است تا منشورهایی انتخاب شوند که جامعیت داشته، جنبه‌های گوناگون زندگی شهری مانند امور عمومی، مدیریت شهری، حقوق سیاسی و مدنی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را مدنظر قرار دهند. سوم این‌که تلاش شده است تا اسنادی انتخاب شوند که نسبت به اسناد دیگر حالت مبنایی داشته باشند و در تدوین اسناد حقوق شهروندی دیگر مورد مراجعه قرار گیرند. هم‌چنین آینده‌نگری و توجه به تحولات آینده از جمله نکاتی بود که مدنظر پژوهشگران قرار داشت. در ذیل دلایل ویژه انتخاب هر یک از منشورها با تفصیل بیشتری بیان شده‌اند:

الف) منشور مردم: این منشور در سال ۲۰۰۱ بر مبنای یکی از معتبرترین اسناد حقوقی انگلستان (منشور کبیر^۱) نگاشته شده است و به مثابه یکی از نخستین اسناد حقوق شهروندی در دوران جدید قابل شناسایی است. این بازنویسی به دلیل توجه بشریت به حقوق بنیادین خویش صورت گرفت تا تأکیدی بر این سند و نیز تعهدی دوباره جهت تحقق این حقوق باشد.

ب) اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه: این اعلامیه با تأثیر پذیرفتن از اعلامیه ویرجینیا (که خود سند توجیه جدا شدن مهاجرنشین‌های آمریکای شمالی از بریتانیای کبیر و تبدیل آن‌ها به ایالات آزاد و مستقل بود) در سال ۱۹۷۹ پس از انقلاب کبیر (که از بزرگ‌ترین تلاش‌های جامعه اروپایی جهت رسیدن به آزادی بوده است)، در صحن مجمع عمومی فرانسه تصویب شد؛ بنابراین، این منشور از اعتبار و قدمت قابل توجهی برخوردار بوده است

1. Magna Charter

و به مثابه سند مادر بسیاری از اعلامیه‌های حقوق شهروندان مدنظر قرار می‌گیرد.

ج) منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها: این منشور در سال ۱۹۸۲ نگاشته شده است و دیدگاه مردمان آمریکای شمالی را نسبت به حقوق شهروندی بیان می‌دارد. این سند از بخش‌های حقوقی و قضایی بسیار مهمی نیز برخوردار است، ولی با توجه به تاکید محققین بر جنبه‌های حقوق اجتماعی شهروندان، گزاره‌های مربوط به این بخش‌ها در تحلیل حاضر مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین هر چند این سند از اعتبار قابل توجهی در آمریکای شمالی برخوردار است، فاقد جامعیت کافی به نظر می‌رسد.

د) منشور آفریقایی حقوق مردمان و بشریت: این منشور حاصل یک گردهمایی رسمی در سال ۱۹۸۱ است که ضمانت اجرایی آن قانوناً مورد تاکید قرار گرفته است. این منشور تلاشی در جهت احقاق حقوق ساکنین قاره آفریقا است؛ از این رو از ویژگی منحصر به فردی در گستره قاره گسترده آفریقا برخوردار است و در این قاره از اعتبار قابل توجهی برخوردار است.

ه) منشور شهروندان شهر شیویای ژاپن: این منشور کاملاً اختصاص به یک شهر نوین دارد که با دیدی جامع و آینده نگر در سال ۱۹۹۷ نگاشته شده است و اشارات ظریفی از دیدگاه‌های آسیایی را در بر دارد. این منشور از این حیث که ویژه استفاده در یک شهر خاص بوده و از جهت توجه به آینده و الزامات آن، منشوری استثنایی به شمار می‌رود.

و) منشور اروپایی حقوق: این منشور در سال ۲۰۰۰ با توجه به یک حادثه مهم اجتماعی جهان، یعنی تحقق اروپای واحد و تبلور این آرزوی دیرینه در قالب پارلمان اروپا، نگاشته شده و از جامعیت قابل توجهی برخوردار است. ویژگی منحصر به فرد این منشور، اعتبار فوق‌العاده ناشی از تصویب در پارلمان اروپاست.

ز) منشور جهانی حقوق شهری: این منشور در مباحثه جهانی شهری ۲۰۰۴ بارسلونا، و مباحثه اجتماعی قاره آمریکا که در سال ۲۰۰۴ در کیوتو برگزار گردید، نگارش یافته است و عمدتاً به بحث از شهر و شهرنشینی و حقوق ساکنین شهرها می‌پردازد. با توجه به جامعیت این منشور، اسناد بسیاری از روی آن نگارش یافته‌اند، نظیر منشور رهبران سازمان‌های آسیا

(LOCOA) که در سال ۲۰۰۵ در فیلیپین منتشر شده است. این منشور به خاطر اعتبار، جامعیت، گستره پذیرش و حوزه اثرگذاری و نیز شیوه تدوین آن از طریق اجماع نسبی در میان صاحب نظران شرکت کننده از کشورهای گوناگون، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳ یافته‌های پژوهش

بر اساس آنچه در روش تحقیق مورد اشاره قرار گرفت، مفاهیم و گزاره‌های مبنایی اسناد منتخب، استخراج و فهرست شده‌اند (جدول شماره ۱).

جدول ۱: مفاهیم و گزاره‌های مبنایی اسناد حقوق شهروندی منتخب

عنوان منشورها	ردیف	مفاهیم و گزاره‌های مبنایی	فصل/ماده/بند
منشور جهانی حقوق شهری (Unesco, 2004)	۱	نفی هرگونه تبعیض	ماده ۱ بند ۱
	۲	تعریف شهروند	ماده ۱ بند ۵
	۳	اداره دموکراتیک شهر	ماده ۲ بند ۱
	۴	بهره‌برداری و مالکیت مشارکتی	ماده ۲ بند ۳
	۵	برخورداري همه شهروندان از حق پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی	ماده ۲ بند ۴
	۶	نفی تبعیض میان ساکنان دائمی و موقتی شهر	ماده ۲ بند ۵
	۷	حمایت‌های خاص از گروه‌ها و افراد آسیب‌پذیر	ماده ۲ بند ۶
	۸	تضمین تعهدات اجتماعی عوامل بخش خصوصی	ماده ۲ بند ۷
	۹	توسعه متعادل و بدون اختلال در روند حفاظت از میراث هنری، تاریخی، فرهنگی و زیست محیطی شهر	ماده ۳ بند ۱
	۱۰	حق مشارکت شهروندان در تدوین بودجه شهری	ماده ۴ بند ۱
	۱۱	مدیریت شفاف شهری	ماده ۵ بند ۱
	۱۲	حق برخورداري همه شهروندان از اطلاعات به روز، صحیح، دقیق، و کافی درباره نحوه اداره شهر	ماده ۶ بند ۱ و ۳

ادامه جدول ۱

ماده ۷	آزادی و کرامت جسمی و روحی انسان	۱۳
ماده ۸	حق داشتن اجتماعات، بیان عقیده و استفاده دموکراتیک از فضاهای عمومی شهر	۱۴
ماده ۹	مشارکت سیاسی برای همه شهروندان	۱۵
ماده ۱۰	سیستم دادرسی عادلانه برای همه شهروندان	۱۶
ماده ۱۱	حق برخورداری از امنیت اجتماعی و همزیستی بر پایه تنوع فرهنگی	۱۷
ماده ۱۲	برخورداری از خدمات عمومی شهری و خانگی در قالب خدمات عمومی	۱۸
ماده ۱۳	برخورداری از سیستم حمل و نقل عمومی کافی، با هزینه مناسب	۱۹
ماده ۱۴	برخورداری از محل سکونت امن و متناسب با درآمدهای شهر و مشخصه‌های فرهنگی	۲۰
ماده ۱۵	برخورداری از تسهیلات آموزشی بدون تبعیض	۲۱
ماده ۱۶	اشتغال بدون تبعیض و تدارک کار مناسب برای گروه‌های آسیب‌پذیر و ممنوعیت کار کودکان	۲۲
ماده ۱۷	برخورداری از فضای سالم، برای فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی و صرف اوقات فراغت	۲۳
ماده ۱۸	برخورداری از سلامتی فیزیکی و روانی و دسترسی به خدمات عمومی بهداشتی	۲۴
ماده ۱۹ بند ۱	برخورداری از محیط زیست سالم	۲۵
ماده ۱۹ بند ۲	حفاظت از میراث هنری، فرهنگی، معماری و طبیعی	۲۶
ماده ۲۱	ایجاد شاخص‌هایی برای اجرای حقوق شهری، ارزشیابی مداوم، و ایجاد سیستم پایش	۲۷
ماده ۲۲	کلیه اعمال در جهت ایجاد مانع برای عملی شدن این منشور، ناقض حقوق شهروندی است	۲۸
ماده ۲۳	تعهد قانونی سازمان‌های اجتماعی، حکومت‌های محلی، و سازمان‌های بین‌المللی به اجرای این منشور	۲۹

ادامه جدول ۱

فصل ۱ ماده ۱	کرامت انسانی	۱	مشور اروپایی حقوق (European Charter of Rights, 2000)
فصل ۱ ماده ۲	حق حیات	۲	
فصل ۱ ماده ۳	جامعیت شأن و منزلت انسانی	۳	
فصل ۱ ماده ۴	منع شکنجه و تبهیهاات غیر انسانی	۴	
فصل ۱ ماده ۵	منع بردگی و کار اجباری	۵	
فصل ۲ ماده ۶	حق استقلال و امنیت	۶	
فصل ۲ ماده ۷	احترام به زندگی خانوادگی و خصوصی	۷	
فصل ۲ ماده ۸	حفاظت از اطلاعات فردی	۸	
فصل ۲ ماده ۹	حق ازدواج و تشکیل خانواده	۹	
فصل ۲ ماده ۱۰	آزادی تفکر، عقیده و مذهب	۱۰	
فصل ۲ ماده ۱۱	آزادی اطلاعات و اظهارات از طریق رسانه ها	۱۱	
فصل ۲ ماده ۱۲	آزادی اجتماعات و انجمن ها	۱۲	
فصل ۲ ماده ۱۳	آزادی تحقیق درباره هنرها و علوم	۱۳	
فصل ۲ ماده ۱۴	حق تحصیل	۱۴	
فصل ۲ ماده ۱۵	آزادی انتخاب شغل و استخدام	۱۵	
فصل ۲ ماده ۱۶	آزادی راهبری و هدایت یک کسب و کار	۱۶	
فصل ۲ ماده ۱۷	حق مالکیت و دارایی	۱۷	
فصل ۲ ماده ۱۸	حمایت در برابر اخراج و تبعید	۱۸	
فصل ۳ ماده ۲۰	برابری در برابر قانون	۱۹	
فصل ۳ ماده ۲۱	عدم تبعیض	۲۰	
فصل ۳ ماده ۲۲	احترام به تنوع زبانی، مذهبی و فرهنگی	۲۱	
فصل ۳ ماده ۲۳	برابری زن و مرد	۲۲	
فصل ۳ ماده ۲۴	حقوق کودکان (توجه لازم به رشد و کمال آنها)	۲۳	
فصل ۳ ماده ۲۵	حقوق سالمندان	۲۴	

ادامه جدول ۱

فصل ۳ ماده ۲۶	احترام به جامعیت شأن و منزلت افراد ناتوان و معلول	۲۵
فصل ۴ ماده ۲۷	حق آگاهی از اطلاعات و مشاوره در تعهدات کارمندان	۲۶
فصل ۴ ماده ۲۸	حق داد و ستد و عمل جمعی	۲۷
فصل ۴ ماده ۲۹	حق دسترسی به خدمات محلی	۲۸
فصل ۴ ماده ۳۰	حق حمایت شدن در برابر اخراج غیر عادلانه	۲۹
فصل ۴ ماده ۳۱	حق برخورداری از شرایط عادلانه و منصفانه کاری	۳۰
فصل ۴ ماده ۳۲	منع کار کودکان و حمایت از نوجوانان شاغل	۳۱
فصل ۴ ماده ۳۳	حمایت از زندگی خانوادگی و حرفه‌ای	۳۲
فصل ۴ ماده ۳۴	مساعدت و امنیت اجتماعی (مساعدت در برابر فقر و بیماری، حوادث صنعتی، کهولت سن و بیکاری)	۳۳
فصل ۴ ماده ۳۵	برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی	۳۴
فصل ۴ ماده ۳۷	حفاظت از محیط زیست	۳۵
فصل ۴ ماده ۳۸	حمایت از مصرف کننده	۳۶
فصل ۵ ماده ۳۹ و ۴۰	حق رای دادن و نامزد شدن در انتخابات	۳۷
فصل ۵ ماده ۴۱	حق برخورداری از اداره خوب امور و شنیده شدن حرف همه افراد و جبران خساراتی که ممکن است سازمان‌های اجتماعی به افراد بزنند	۳۸
فصل ۵ ماده ۴۲	حق دسترسی به اسناد عمومی	۳۹
فصل ۵ ماده ۴۴	حق تنظیم دادخواست و تسلیم آن به مجلس قانون‌گذاری	۴۰
فصل ۵ ماده ۴۵	آزادی سکونت یا مهاجرت	۴۱
فصل ۶ ماده ۴۷	حق برخورداری از دادگاه منصف و اطلاعات اثر بخش	۴۲
فصل ۶ ماده ۴۸، ۴۹	حق مفروض داشتن بی‌گناهی افراد، و دفاع از حقوق خود	۴۳
فصل ۷ ماده ۵۱	حیطه التزام به این قانون کل اتحادیه اروپا است و همه کشورها و سازمان‌هایی که می‌خواهند در این حیطه عمل کنند را در برمی‌گیرد.	۴۴

ادامه جدول ۱

فصل ۷ ماده ۵۴	منع سوء استفاده از منشور و تفسیر آن بر علیه حقوق انسانی	۴۵	
برگرفته از متن منشور x	ساختن شهری با برنامه‌های رفاهی و مستعد مشارکت و مساعدت همه شهروندان	۱	منشور شهروندان شهر شیبویا (Shibuya City Office, 1997)
	ترسیم، هدایت و توسعه ادراکات بشری و فعالیت‌های خلاق و نشاط‌انگیز	۲	
	ساختن شهری پوشیده از طبیعت سبز و حامی محیط زیست، برای نسل‌های آینده	۳	
	ساختن شهری با هویت مستقل از توکیو	۴	
	ساختن شهری امن و ایمن که جهت یک زندگی سالم و شاد	۵	
ماده ۱	برابری انسان‌ها	۱	اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه (Unesco, 1789)
ماده ۲	هدف حفظ آزادی، احترام مالکیت، تامین امنیت، و مقاومت در برابر ستم است	۲	
ماده ۳	تعلق اصل و بنیان حاکمیت به ملت	۳	
ماده ۶	قانون، تبلور اراده عامه (یا نمایندگان آنها) است	۴	
ماده ۷ و ۸	التزام به قانون	۵	
ماده ۹	بی‌گناهی همه افراد، مگر آن‌که تقصیر آن‌ها به ثبوت برسد	۶	
ماده ۱۰	احترام به عقاید همه	۷	
ماده ۱۲	تضمین حقوق اهالی کشور	۸	
ماده ۱۳	توزیع هزینه نگهداری از نهادهای عمومی، به نسبت توان مالی شهروندان	۹	
ماده ۱۴	مجاز بودن تحقیق افراد درباره ضرورت مالیات وضع شده	۱۰	
ماده ۱۵	غرامت عادلانه جبران نقض حق در موقع ضرورت اجتماعی و قانونی	۱۱	
برگرفته از متن منشور x	ضرورت وجود دولت محلی پاسخ‌گو و شفاف	۱	منشور مردم ۲۰۰۱ (North East Lincolnshire Council, 2001)
	تعهد دولت به مشورت با جامعه	۲	
	حق برخورداری از ارائه خدمات اجتماعی با کیفیت مورد نیاز مردم	۳	
	حق برخورداری از آگاهی، مهارت و تجربه در جهت رسیدن به باروری کامل ظرفیت‌های بالقوه	۴	
	ضرورت اشتغال زایی و آموزش برای مردم محلی	۵	

ادامه جدول ۱

	۶	ضرورت حفظ محیط زیست تمیز و ایمن برای رشد مردم	
	۷	مراقبت و حمایت از افراد در معرض خطر و نیازمند	
ماده ۱ و ۲	۱	آزادی مذهب، عقیده، تفکر، بیان، اجتماعات صلح دوستانه و انجمن‌ها	منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها (Canada Department of Justice, 1982)
ماده ۳	۲	حق رای دادن و انتخاب شدن	
ماده ۶	۳	آزادی ورود و خروج و اقامت	
ماده ۱۰، ۹، ۸، ۷	۴	حق حیات، آزادی و امنیت	
ماده ۱۰، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱	۵	حق برخورداری از سیستم قضایی و دادگاه عادلانه و حق اعتراض به مجازات ظالمانه	
ماده ۱۵	۶	برابری افراد در مقابل قانون و منافع آن	
ماده ۲۸	۷	برابری زنان و مردان از حیث کلیه حقوق اجتماعی	
ماده ۲	۱	نهی هرگونه تبعیض	منشور آفریقایی... (University of Minnesota, 1981)
ماده ۳	۲	برابری همه افراد در برابر قانون	
ماده ۴، ۵	۳	احترام به کرامت و منزلت انسانی و حق حیات	
ماده ۶	۴	احترام به حق آزادی، مگر در مواردی که قانون قبلاً آن‌ها را منع کرده است	
ماده ۷	۵	حق دفاع در دادگاه عادل برای مجرمین	
ماده ۹	۶	حق ارائه دادخواست علیه اعمال ناقص حقوق بنیادی افراد، علیه سازمان‌های محلی و حکومتی	
ماده ۱۰، ۱۱	۷	آزادی دریافت قانونی اطلاعات و بیان عقاید	
ماده ۱۲	۸	آزادی تاسیس انجمن‌ها و اجتماعات	
ماده ۱۳	۹	آزادی اقامت یا مهاجرت درون مرزهای کشور و رفت و آمد به کشور	
ماده ۱۳	۱۰	دسترسی همگانی خدمات عمومی به طور برابر	
ماده ۱۵	۱۱	بهره‌مندی همه افراد از کار مناسب در شرایط عادلانه و رضایت‌مندانه	
ماده ۱۵	۱۲	دریافت حق‌الزحمه مساوی بابت کار مساوی	
ماده ۱۶	۱۳	بهره‌مندی از محیط سالم و برخورداری از بهداشت فیزیکی و روانی و امکانات درمانی	

ادامه جدول ۱

ماده ۱۷	بهره‌مندی از امکانات آموزشی و تحصیلی	۱۴
ماده ۱۷	حمایت دولت از حفظ ارزش‌های سنتی و اخلاقی	۱۵
ماده ۱۸	تعهد دولت در حفظ سلامت اخلاقی جامعه	۱۶
ماده ۱۸	ریشه‌کنی هرگونه تبعیض علیه زنان و حمایت از حقوق زنان و کودکان	۱۷
ماده ۱۸	توجه به نیازهای فیزیکی و روانی افراد مسن و ناتوان	۱۸
ماده ۲۰	برخورداری از حق تصمیم‌گیری درباره موقعیت سیاسی و امکان ترقی اجتماعی و اقتصادی	۱۹
ماده ۲۱	برخورداری از حق تصمیم‌گیری درباره منابع درآمد و ثروت فردی	۲۰
ماده ۲۳	برخورداری از امنیت و آرامش در سطوح ملی و بین‌المللی	۲۱
ماده ۲۵	الزام دولت‌ها در توسعه آموزش و تعمیم، و احترام به حقوق مندرج در این منشور	۲۲
ماده ۲۷، ۲۸	الزام افراد در احترام به حقوق دیگران	۲۳
ماده ۲۹	الزام افراد در دفاع از حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی کشورشان	۲۴
ماده ۲۹	الزام افراد در احساس مسئولیت در برابر جامعه، کارکردن با حداکثر توان‌مندی و پرداخت مالیات‌های قانونی	۲۵
ماده ۲۹	الزام افراد در تلاش مسئولانه در جهت حفظ و اشاعه فرهنگ و ارزش‌های جامعه، توسعه روحیه بردباری و تحمل ناملایمات، اشاعه روحیه گفتگو و مشاوره، و در مجموع ارتقا سطح رعایت امور اخلاقی	۲۶

- منشور شهر شیویا و منشور مردم به صورت فصل/ماده/بند تنظیم نشده بودند، بنابراین موارد مذکور از محتوای منشورها استخراج شد.

به طوری که ملاحظه می‌شود، در جدول شماره ۱ مجموعه‌ای از مفاهیم و نکات مهمی که باید هنگام تدوین منشور حقوق شهروندی مورد توجه قرار گیرند، استخراج شده‌اند. این مجموعه برای تدوین منشور به گزینی شده در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در مرحله بعد با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی و تحلیل منطقی، گزاره‌های

اصلی مورد استفاده در متون مذکور استخراج و بازسازی می‌شوند. حاصل این مطالعه نیل به تعداد زیادی گزاره بود که برای پرهیز از تکرار، سعی شد حتی‌المقدور اصلی‌ترین و بدیع‌ترین نکات و گزاره‌های مورد تاکید انتخاب شوند. با توجه به الزامات روش تحلیل منطقی سعی شد گزاره‌های انتخاب شده حتی‌المقدور با رعایت اصول سازگاری، صرفه‌جویی و استقلال در روش، بازپردازی شده و مورد استناد قرار گیرند. لازم به ذکر است که اصول فوق از تحلیل محتوای منشورها به دست آمده‌اند. منابع هر یک از اصول مذکور در منشورهای مورد مطالعه به تفکیک در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

جدول شماره ۲: مواد مرتبط با اصول در منشورهای منتخب

اصل نام منشور	احترام برابر	آزادی و اختیار	امنیت کامل	رفاه نسبی	دانش کافی برای مشارکت	حق برنامه‌ریزی برای پیشرفت	مسئولیت در برابر سعادت جمعی
منشور جهانی	۱۵،۶،۱۲،۱ ۵،۱۶،۲۱،۲ ۲	۳،۱۰،۱۱،۱۳،۱۴	۱۶،۱۷،۲۰	۹،۱۹،۲۰،۲۱، ۲۳،۲۵	۱۰،۱۲،۱۵،۲۱	۵	۱۵
منشور اروپایی	۲۰،۲۱،۲۲، ۸،۲۹،۳۲	۶،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۲، ۱۳،۱۵،۱۶،۱۷،۴۱	۲،۴۳	۲۸،۳۲،۳۴،۳ ۶،۳۸	۱۳،۱۴،۲۶،۳۷	۳۰	--
منشور شیبویا	۱	--	۵	۱،۲،۳	۱،۲	--	۱،۲،۳،۴،۵
اعلامیه فرانسه	۱،۴،۶،۷،۸	۲،۶	۲،۱۱	--	۳	--	۵
منشور مردم	۶	--	۶،۷	۳،۶	۲،۴	۴	۶
منشور کانادایی	۵،۶،۷	۱،۳،۴	۴،۵	--	۲	--	--
منشور آفریقایی	۱،۲،۱۰،۱۲، ۱۷	۳،۴،۷،۸،۹	۵،۶،۱۳،۲۱	۱۱،۱۳،۱۴،۱ ۵،۱۶	۷،۱۴،۲۲	۱۹،۲۰،۲۳	۲۳،۲۴،۲۵،۲۶

– داخل هر خانه جدول، شماره ردیف مواد مرتبط با اصول هفت گانه در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

بر این اساس به نظر می‌رسد عمده‌ترین اصولی که باید هنگام تدوین حقوق شهروندی، در کانون توجه تدوین‌کنندگان قرار گیرند عبارت‌اند از:

الف) حق احترام برابر: بر خلاف برخی باورهای رایج متأثر از رویکرد سوسیالیستی به مفهوم عدالت (Marx & Engels, 1881: 71) در این‌جا چنین فرض می‌شود که هرگونه سهم افراد از مشارکت اجتماعی، بر حسب میزان مشارکت فعال و تمام عیار آن‌ها در اداره بهتر جامعه تعیین می‌شود. ضمن این‌که در هر حال حداقل رفاه همهٔ آحاد جامعه تضمین شده و احترام برابر آن‌ها محفوظ خواهد ماند، زیرا جامعه‌ای که افراد آن از حق احترام برابر برخوردار نباشند، هرگز نمی‌تواند از حداکثر توان اعضای خود بهره‌مند گردد و احتمال پایداری و بقای آن کاهش می‌یابد (Sterba, 1999: 6-7).

ب) حق آزادی: آزادی حقی فطری است که نباید در فراگرد پیوستن فرد به جامعه استحاله گردد. حق آزاد زیستن و برخورداری از حق اظهار نظر و حفظ عقیده و ابراز آزدانهٔ اندیشه، در شمار اولین حقوق انسانی مدنظر قرار می‌گیرد. البته، طبق اصول اندیشهٔ لیبرالی تنها قیدی که می‌تواند آزادی انسان‌ها را محدود سازد تهدید آزادی دیگران است؛ یعنی یک فرد مجاز نیست به عملی مبادرت نماید که حق آزادی دیگران را مخدوش کند (Hospers, 1972: 29-30). بدیهی است که این قید بسیار جای بحث دارد و در صورت رعایت کامل، از الزامات دیدگاه لیبرال فراتر رفته، به دیدگاه حق مدار نزدیک می‌شود (پورعزت، ۱۳۸۲).

بدیهی است که برخورداری از آزادی برای حضور فعال، داوطلبانه و مختار افراد در جامعه ضرورت دارد و تأکید توأم بر حق آزادی و برابری، محتوای منشور را به دیدگاه لیبرال دموکراسی نزدیک می‌کند (Habermas, 1995: 185; Hare, 1978: 171; Raws, 1989: 197).

ج) حق برخورداری از امنیت: این حق را هر چند هم در حق آزادی و برابری مستتر باشد، به لحاظ اهمیت می‌توان جداگانه مورد تأکید قرار داد. برخی از لیبرال‌ها حق حیات را به سادگی حق کشته نشدن می‌دانند (Sterba, 1999: 4-5) و برخی برای تضمین امنیت، بر ضرورت وجود دولت نگهبان شب (یا داروغه) تأکید می‌کنند (Sterba, 1985: 35). به هر

حال برخورداری از امنیت از نیازهای بسیار مهم آدمی است که در هنگامه بحران به شدت بر سایر نیازها سایه می‌افکند (Kritner, 1989: 154) تا جایی که حتی می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین دلایل اقبال آدمیان از زندگی جمعی از دوران غارنشینی تا شهرنشینی، برخورداری از امنیت ناشی از تقسیم کار، و شناسایی اهمیت وظیفه‌تأمین امنیت در زندگی جمعی است.

د) حق برخورداری از آسایش و رفاه نسبی: یکی از نیازهایی که روی آوردن آدمی به زندگی جمعی را توجیه می‌کند، رفاه و آسایش بیشتری است که افراد در حیات جمعی احساس می‌کنند. برخورداری از حداقل رفاه و آسایش شرط اساسی پایداری سیستم اجتماعی و زندگی جمعی است و بدون شک جامعه‌ای که نسبت به سرنوشت جمعی از اتباع خود بی‌تفاوت باشد نمی‌تواند به کامیابی نایل آید؛ تا جایی که حتی می‌توان گفت که برخورداری از رفاه نسبی شرط ضروری ادراک آزادی است (Sterba, 1999: 4-5; Sterba, 1985: 35).

ه) حق برخورداری از دانش و آگاهی کافی: زندگی جمعی فضای مشارکت جمعی را فراهم می‌سازد؛ به تدریج جامعه بشری درمی‌یابد که حق اظهار نظر و مشارکت در تعیین سرنوشت، حقی بنیانی است که تکالیف متعددی را بر عهده آدمی تحمیل می‌کند. ولی مشارکت واقعی در تعیین سرنوشت جمعی بدون برخورداری از اطلاعات و آگاهی کافی امکان‌پذیر نیست. از این رو توزیع عادلانه اطلاعات، به‌ویژه درباره امور حساس اجتماعی از اولی‌ترین و بنیانی‌ترین حقوقی است که کامیابی در زندگی جمعی را ممکن می‌سازد.

و) حق برخورداری از حق پیشرفت: هیچ کس حق ندارد، راه افراد به سوی تعالی و پیشرفت را مسدود سازد. وقتی گفته می‌شود که انسان مختار و آزاد است، باید دقت کرد که هر کسی می‌تواند در دو حریم خصوصی و عمومی مدنظر قرار گیرد. مطمئناً حضور فرد در حریم عمومی نباید به گونه‌ای باشد که آزادی دیگران را تهدید کرده یا از دیگران سلب اختیار نماید (تهرانی، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۶ و ۹۹).

ز) احترام به حق جامعه در برخورداری از مساعدت مسئولان افراد: این اصل با این فرض مدنظر قرار می‌گیرد که هر کسی که در جامعه زندگی می‌کند و از مواهب زندگی

جمعی بهره‌مند می‌شود در برابر سرنوشت جامعه متعهد بوده، موظف به مشارکت مسئولانه در رفع مشکلات و مسایلی است که سعادت جامعه را تهدید می‌کند.

۴) نتیجه‌گیری: مبانی منشور حقوق شهروندی

با توجه به مباحث پیشین به نظر می‌رسد که تحقق حقوق شهروندی انسانی مستلزم برخورداری از حق احترام برابر، آزادی، امنیت، آسایش، آگاهی و حق پیشرفت است. البته در برابر این حقوق، تکلیفی بسیار مهم بر عهده عناصر اجتماعی است که عبارت است از "تکلیف به مساعدت مسئولانه در سیستم اجتماعی" یا "حق جامعه در برخورداری از مساعدت مسئولانه اعضای خود"؛ بنابراین، در یک رویکرد منطقی به تحلیل حقوق فوق، می‌توان نظامی منطقی را طراحی کرد که مهم‌ترین اصول آن عبارت‌اند از:

- الف) همه افراد جامعه حق دارند از احترام برابر برخوردار باشند.
 - ب) همه افراد جامعه حق دارند از آزادی و اختیار برخوردار باشند.
 - ج) همه افراد جامعه حق دارند از امنیت کامل برخوردار باشند.
 - د) همه افراد جامعه حق دارند از رفاه نسبی برخوردار باشند.
 - ه) همه افراد جامعه حق دارند از دانش، آگاهی و اطلاعات کافی برای مشارکت اجتماعی برخوردار باشند.
 - و) همه افراد جامعه حق دارند برای پیشرفت و تعالی خود برنامه ریزی و اقدام کنند.
 - ز) همه افراد در برابر سعادت جمعی اعضای جامعه مسئول‌اند.
- با در نظر گرفتن این نکته که مشارکت، حق شهروندان فعال تلقی می‌شود، در برابر آن مسئولیتی بر عهده شهروندان خواهد بود، بنابراین در شش اصل اول به حقوق افراد و در اصل هفتم، به مسئولیت آن‌ها اشاره شده است.
- بنابراین همه قوانین و مقررات شهری باید موید اصول منطقی فوق بوده، هیچ قانونی نباید این اصول هفت گانه را نقض نماید. مسئولان خدمات شهری باید کلیه موانع و مشکلاتی را که موجب نقض این اصول می‌شوند برطرف نمایند.

به این ترتیب منشور حقوق شهروندی در دو بخش توسعه می‌یابد:

الف) بخش اصول کلی که صرفاً از اصول هفت‌گانه فوق تشکیل می‌شود؛

ب) بخش قضایای استنباط شده از اصول فوق که از قضایای منطقی و گزاره‌های قانونی تضمین‌کننده تحقق و اجرای اصول فوق در شرایط واقعی زندگی شهری تشکیل می‌شود؛ برای مثال برای تضمین حق برابری حقوق ذیل قابل طرح‌اند:

الف) حق برخورداری از فرصت‌های برابر در آموزش و توسعه فرهنگی؛

ب) حق برخورداری از فرصت‌های برابر در اشتغال و توسعه اقتصادی؛

ج) حق برخورداری از فرصت‌های برابر در تصمیم‌گیری‌های جمعی و توسعه سیاسی.

بر این اساس مبانی تدوین منشور حقوق شهروندی بر اساس یک نظام منطقی فراهم می‌آید (جدول شماره ۳).

جدول ۳: نظام منطقی مبانی منشور حقوق شهروندی پیشنهادی

ردیف	اصول مبانی	قضایای مبتنی بر اصول مبانی
۱	همه افراد جامعه حق دارند از احترام برابر برخوردار باشند	شان و منزلت همه افراد محترم شمرده می‌شود (هیچ فرد یا سازمانی حق ندارد به شأن و منزلت دیگری خدشه وارد نماید). هیچ فرد یا سازمانی حق ندارد آزادی سایر شهروندان را سلب نماید. رفتارهای آزادانه شهروندان و نهادها و سازمان‌ها نباید موجب مسدود شدن یا محدود شدن مسیر فعالیت آزاد سایر شهروندان شود.
۲	همه افراد جامعه حق دارند از آزادی و اختیار برخوردار باشند	هیچ فرد یا سازمانی حق ندارد در استفاده از حقوق شهروندی خود به اموری مبادرت ورزد که امنیت سایر شهروندان را در معرض تهدید قرار دهد. ساخت و ساز شهری باید به گونه‌ای باشد که به هیچ وجه چشم انداز امنیت شهری را تهدید نکند.

ادامه جدول ۳

۳	همه افراد جامعه حق دارند از امنیت کامل برخوردار باشند	هیچ فرد یا سازمانی حق ندارد به گونه ای رفتار کند که سلامت شهروندان به مخاطره بیافتد. شهروندان حق دارند در محیطی کاملاً سالم زندگی نمایند. همه افراد حق دارند به کار مناسب با حقوق و مزایای کافی دسترسی داشته باشند.
۴	همه افراد جامعه حق دارند از رفاه نسبی برخوردار باشند	کسانی که به شغل مناسب دسترسی ندارند، باید از سطح مناسبی از کمک‌ها و اعانه‌ها برخوردار شوند. شهر بر پایه مشارکت جمعی افراد اداره می‌شود. مشارکت افراد باید آگاهانه و بر مبنای اطلاعات کافی انجام شود.
۵	همه افراد جامعه حق دارند از دانش، آگاهی و اطلاعات کافی برای مشارکت اجتماعی برخوردار باشند	افراد حق دارند از همه فراگردهای اداره شهر کسب اطلاع نمایند. رفتار نمایندگان مردم در نهادها و سازمان های شهری باید کاملاً شفاف در معرض نقد همه شهروندان قرار گیرد. افراد حق دارند برای پیشرفت خود در جامعه از حداکثر امکانات شهری بهره مند گردند. همه افراد حق دارند از فرصت برابر برای رشد و پیشرفت اجتماعی برخوردار باشند.
۶	همه افراد جامعه حق دارند برای پیشرفت و تعالی خود برنامه ریزی و اقدام کنند	بهره‌مندی افراد از امکانات شهری نباید به گونه‌ای باشد که به حق استفاده برابر سایر شهروندان خدشه وارد گردد. مردم و سازمان‌های اجتماعی حق دارند درباره حفظ محیط زیست نگران باشند و پیامدهای رفتار یکدیگر را مورد تحلیل و بازخواست قرار دهند.
۷	همه افراد در برابر سعادت جمعی اعضای جامعه مسئول‌اند	۱۸. در مواقع بحران و اضطرار همه مردم موظف‌اند برای نجات سایرین تلاش نمایند.

- همان‌طور که ملاحظه می‌شود مجموعه قضایای فوق بر پایه تعدادی از اصول مبنایی بنا شده‌اند؛ ضمن این‌که می‌توان ادعا کرد که منبع اصلی گزاره‌های فوق مجموعه گسترده متونی است که پژوهش‌گران بررسی کرده‌اند.

علی‌رغم آن‌که تاکنون تحقیقات و پژوهش‌هایی چند در خصوص بیانیه جهانی حقوق بشر، منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها، منشور آفریقایی حقوق مردمان و بشریت، و منشور اروپایی حقوق انجام گرفته است (Copelona, et al., 2005; Mayor, 2003; Haddad & Oshaug, 1998; Zuckerberg, 2007)، تاکنون در هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته به مطالعه تطبیقی این منشورها با یکدیگر، با هدف ارائه منشوری به‌گزینی شده پرداخته نشده است. از این‌رو به نظر می‌رسد که پژوهش حاضر از این لحاظ یکی از معدود پژوهش‌های انجام‌یافته باشد (Copelona et al., 2005; Mayor, 2003; Haddad & Oshaug, 1998; Zuckerberg, 2007).

در برخی از پژوهش‌هایی که پیش از این صورت گرفته‌اند، اصولی مشابه اصول اساسی پیشنهادی در این پژوهش مورد تاکید بوده‌اند. در یکی از این پژوهش‌ها اصول منطقی زیربنایی اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته و به شرح ذیل استخراج شده است:

- همه افراد بشر حق دارند از حقوق انسانی و احترام برابر برخوردار باشند.
- همه افراد بشر حق دارند آزاد باشند و هیچ‌کس حق ندارد آزادی آن‌ها را مخدوش نماید.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اصول اول و دوم منشور پیشنهادی تا حدودی مبتنی بر اصول زیربنایی استخراج شده از اعلامیه جهانی حقوق بشرند. ضمن این‌که در پژوهش مذکور چنین اظهار شده است که در سیستم حق‌مدار، تأمین امنیت کامل، رفاه نسبی و آگاهی کافی برای همه آحاد جامعه، برای تحقق عدالت اجتماعی ضرورت دارد (پورعزت، ۱۳۸۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود این تاکید نیز با اصول سوم و چهارم منشور پیشنهادی مطابق است.

هم‌چنین در نتایج پژوهشی چنین اظهار شده است که جهت موفقیت در برنامه‌های توسعه شهری، درگیری پایدار و گسترده شهروندان لازم است که با دو عامل آگاهی و مشارکت همراه باشد. در واقع این دو عامل، بر دو شرط مطلوب و مهم دلالت دارند: الف)

به وجود آمدن آگاهی یا فرهنگ مدنی مناسب؛ ب) ایجاد ساختارهایی برای توسعه فرصت عادلانه برای مشارکت و بهره‌مندی عامه شهروندان و ارائه دستاوردهایی درباره اثربخشی مشارکت آنان (Dotcherty, et al, 2001; Brinkerhoff, 2000). همان‌طور که ملاحظه می‌شود نتایج این پژوهش نیز با اصل ۵ منشور پیشنهادی مرتبط است.

پیمایشی دیگر نیز حاکی از آن است که برای بقای روابط، باید شهروندان، آگاهانه داوطلب مساعدت باشند تا زمینه رفاه اجتماعی فراهم آید (Gidron & Bargal, 1986). به‌طوری که ملاحظه می‌شود، این موضوع نیز با اصل ۷ منشور پیشنهادی که بر مسئولیت در برابر سعادت جمعی اشاره دارد مرتبط است.

هم‌چنین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸) نیز از دیدگاه‌های متنوع و در موارد متعدد بر ضرورت رعایت عدالت، نفی ستم‌گری و سلطه‌پذیری، و تحقق قسط و عدل و استقلال و ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت تاکید کرده است. به طوری که در متن این قانون ده‌ها بار از مجموعه واژه‌های عادل (اصول ۵، ۱۵۸ و ۱۶۲)، قسط و عدل (اصول ۲ و ۱۴)، عادلانه (اصل ۳)، حق (اصول ۲۹ و ۳۱)، شرایط مساوی (اصل ۲۸)، ریشه کن ساختن فقر و محرومیت (اصل ۴۳)، عدالت (اصل ۱۵۶)، و نظایر آن استفاده شده است (پورعزت، ۱۳۸۶).

قابل تأمل است که توسعه منشورهای حقوق شهروندی در ایران باید با ملاحظه اهمیت و تاثیر اصول مرتبط با حقوق شهروندی در قانون اساسی صورت پذیرد. برای نمونه همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این پژوهش اصولی مورد تاکید قرار گرفته‌اند که هر کدام به نوعی با یک یا چند اصل از قانون اساسی مرتبط بوده، مبتنی بر آن تلقی می‌شوند. برای مثال اصل اول منشور پیشنهادی با اصول ۳ و ۱۹ قانون اساسی که متضمن رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه و حفظ حرمت مادی و معنوی عامه مردم است، ارتباط داشته مبتنی بر آن تلقی می‌شود. هم‌چنین اصل دوم منشور پیشنهادی با اصول ۲، ۳ و ۴۳ قانون اساسی که بر ضرورت نفی ستم و سلطه، تامین آزادی انتخاب شغل و سبک زندگی دلالت دارند، مرتبط است. اصل سوم منشور پیشنهادی نیز بر ماده ۲ قانون احترام به

آزادی‌های مشروع که بر امنیت افراد در پناه قانون دلالت دارد، مرتبط است. اصل چهارم پیشنهادی نیز با اصل ۳ قانون اساسی مرتبط است که به پی‌ریزی یک سیستم اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر دلالت دارد. اصل چهارم پیشنهادی نیز با اصول ۳ و ۳۰ قانون اساسی ارتباط دارد که بر ضرورت بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی و بهره‌مندی عامه از امکانات و تسهیلات آموزشی و تحصیلی دلالت دارد. اصل پنجم منشور پیشنهادی مبتنی بر ماده ۳ و ۴۳ قانون اساسی است که بر ضرورت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش و تنظیم برنامه اقتصادی کشور، به صورتی که هر فرد از فرصت کافی برای خودسازی و رشد برخوردار باشد دلالت دارد؛ و اصل ششم پیشنهادی نیز به نوعی مبتنی بر ماده ۳ قانون اساسی است که بر مسئولیت افراد در برابر خدا جهت تلاش در پیشبرد بشر دلالت دارد.

قابل تامل است که در قانون اساسی به اصولی اشاره شده است که در این منشور مورد تاکید بیشتری قرار گرفته و تلاش شده است با توجه به اهمیت آن‌ها به وضوح مدنظر آحاد جامعه شهری قرارگیرد؛ مواردی نظیر امنیت (اصل ۳ پیشنهادی)، تامین رفاه عامه (اصل ۴ پیشنهادی)، و به ویژه مسئولیت متقابل مردم در برابر جامعه شهری (اصل ۷ پیشنهادی).

شایان ذکر است، در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۰، بخشنامه حقوق شهروندی به شماره ۱/۸۳/۷۱۶ در ۱۵ بند از سوی ریاست قوه قضائیه صادر شد که پیرو آن، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در ایران با تأیید شورای نگهبان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون با دید صرفاً قضایی به حقوق قانونی فردی افراد اشاره دارد و از جامعیت لازم برای رسیدگی به مجموعه حقوق شهروندان برخوردار نیست. برای مثال به مسایلی مانند رفاه، آگاهی و حق پیشرفت اشاره نمی‌کند که به ترتیب در اصول ۴، ۵، و ۶ منشور پیشنهادی مدنظر قرار می‌گیرند. هرچند در مواردی شباهت قابل توجهی میان این قانون و منشور پیشنهادی وجود دارد؛ برای مثال طبق ماده ۲ این قانون، هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد که در اصل ۳ منشور پیشنهادی نیز به آن اشاره شده است.

- اصیل، حجت الله. (۱۳۸۱)، آرمانشهر در اندیشه ایرانی، تهران، نشر نی.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۲)، طراحی سیستم خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی، بر مبنای مدل حکومت حق مدار علوی (در نهج البلاغه)، رساله دکتری مدیریت سیاست گذاری عمومی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۵)، «تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم های خط مشی گذاری معطوف به عدالت: مقایسه آموزه های نهج البلاغه و برخی از مکاتب فلسفی سیاسی»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس علوم انسانی، شماره ۴۹، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۶)، «خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی، در حد فاصل تدوین تا اجرای قانون اساسی». فصلنامه اندیشه مدیریت، شماره اول، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع).
- تهرانی، محمد. (۱۳۸۴)، انسان امروز و پارادایم حکومت دینی؛ پژوهشی پیرامون مبانی حکومت در اندیشه اسلامی و نگاهی به ساختار آن، قم، انتشارات قلم نو.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۷۸)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران، مرکز تحقیقات علمی کشور.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل. (۱۳۸۳)، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار- اشراقی.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی و آذر، عادل. (۱۳۸۳)، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار- اشراقی.
- دلاور، علی. (۱۳۷۹)، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، چاپ هفتم، تهران، نشر ویرایش.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۲)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول: اصول و مبانی، چاپ هشتم. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۳)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ دهم. تهران، نشر آگه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات سال ۱۳۶۸). دبیرخانه شورای بازنگری قانون اساسی، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، شهریور ماه ۱۳۷۷ هجری شمسی.
- کشفی، عبدالرسول. (۱۳۸۱)، «کاربرد روش هندسی در فلسفه اسلامی»، مقالات و

- بررسی‌ها، دفتر ۷۱، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
 - نبوی، لطف الله. (۱۳۶۹)، «روش‌شناسی علوم قیاسی»، *مجله مدرس*، دوره اول، شماره ۲، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
 - نبوی، لطف الله. (۱۳۸۴)، *مبانی منطق و روش‌شناسی*، دفتر نشر آثار علمی، دانشگاه تربیت مدرس.
- Bahai International Community Office of the Environment. **World citizenship: A Global Ethic for Sustainable Development**, Available at: <<http://statements.bahai.org/>>. (2006)
- Brinkerhoff, D. (2000), "Democratic Governance and Sectoral Policy Reform: Tracing Linkages and Exploring Synergies", **World Development**, 28(4).
- Canada Department of Justice. (1982), **Canadian Charter of Rights and Freedoms**. Available at: <<http://laws.justice.gc.ca/en/charter/>>. (2006)
- Cipfa. (1994), **Citizenship. Public Money & Management**. October-December. Blackwell Publishing.
- Clifton J., Comin F., Fuentes D. (2005), "**Empowering Europe's Citizens?**" *Public Management Review*, Vol. 7. Issue 3.
- Copelona, R., Zampas, C., Brusie, E., De Vore, J. (2005), "Human Right Begin at Birth: International Law and the Claim of Fetal Rights", **Reproductive Health**, Vol. 13, No. 26.
- Department of Administrative Reforms and Public Grievances, Government of India. (2002), "Citizens' Charters: Indian Experience", available at: <<http://darpn.nic.in/arpnwebsite/reforminitiatives/CitizenCentricInitiative/Citizens-ChartersIndianExperience.asp>>(lastaccess: March 01, 2008)
- Docherty, I., Goodlad, R., & Paddison, R. (2001), Civic culture, community and citizen participation in contrasting neighborhoods. **Urban Studies**, 38(12).
- Drewry G. (2005), Citizen's Charters: Service quality chameleons. *Public Management Review*. Vol. 7, Issue 3.
- Eredi Gutenberg Cooperative Sociale. (2006), Charter of Intents for Equal Citizenship. Commission's Program related to the Community Framework

- Strategy on Gender Equality.
- ERYICA. (2003), European Charter on the Participation of Young People in Local and Regional Life. Available at: <www.youth-partnership.net>
 - "European Charter of Rights". **Official Journal of the European Communities**. (2000).
 - Gidron & Bargal. (1986), "Self-help awareness in Israel: an expression of structured charges and expanding Citizen participation", **Journal of voluntary action research**.
 - Habermas, Jurgen. (1995), "**The Rule of Law and Democracy**", in James p. Sterba (Ed), 1999.
 - Haddad, L. and Oshaug, A. (1998), "How does the human rights perspective help to shape the food and nutrition policy research agenda?" **Food Policy**, Vol. 23, No. 5.
 - Hare, R. M. (1978), "**Justice and Equality**", in James p. Sterba (Ed).
 - Hospers, John. (1972), "**The Libertarian Manifesto**", in James p. Sterba (Ed), 1999.
 - Institut de Drets Humans de Catalunya. Draft Charter of Emerging Human Rights In A Globalised World. Barcelona. Available at: <http://www.idhc.org/cat/documents/CharterDHE_eng.pdf> (last access: March 01, 2008)
 - Kreitner, Robert & Kinicki, Angelo. (1989), **Organizational Behavior**. Free Instructors copy, BPI/IRWIN.
 - Leaders and Organizers of Community Organization in Asia (LOCOA). (2000), **LOCOA Charter**: Philippines. Available at: <http://www.locoa.net/home>. (2006)
 - Madell T. (2005), "From the Citizen's Charter to Public Service Guarantees-the Swedish Model". **European Public Law**. Vol. 11, Issue 2.
 - Marx, Karl & Engels, Friedrich. (1881). "**The Socialist Ideal**", in James p. Sterba (Ed), 1999.
 - Mayor, F. (2003), "The Universal Declaration on the Human Genome and Human Rights", **C. R. Biologies** 326.

- Morgan, Gareth. (2006), **Images of Organization**. Updated edition, Sage.
- North East Lincolnshire Council (N.E.L.C). (2001), **Peoples Charter**.
- Our World Organization. (2006), **Our World; Global Citizenship Education. Survey of Youth Identity and Citizenship in the 21st Century**. Available at: <<http://www.ourworldgce.net/>> (Last access: March 01, 2008)
- Pollitt C. **The Citizen's Charter: A Preliminary Analysis**. Public Money & Management. April-June 1994. Management
- Rawls, John. (1989), "**The Domain of the Political and Overlapping Consensus**", in James p. Sterba (Ed), 1999.
- Scott, W. Richard & Gerald F. Davis. (2007), **Organization and Organizing: Rational, Natural, and Open system perspectives**, Pearson Education.
- Shibuya City Office. (1997), **Shibuya Citizen's Charter**, Japan. Available at: <<http://www.city.shibuya.tokyo.jp/eng/index.html>> (2006)
- Sterba, James. (1985), "**From Liberty to Welfare**", in James p. Sterba (Ed), 1999.
- Sterba, James. (1999), "**Justice: Alternative Political Perspective**" Third Edition, Wedsworth.
- Unesco. (2004), "**World Charter on the Right to the City**". World Urban Forum. Available at: <www.portal.unesco.org>
- Unesco. **Declaration of the Rights of Man**. (1789), available at: <<http://portal.unesco.org/ci/en/ev>>. (2006)
- University of Minnesota. (1981), **African (Banjul) Charter on Human and Peoples Rights**. Human Rights Library. Available at: <<http://www1.umn.edu/humanrts/instate/zlafchar.htm>>. (2006)
- Zuckerberg, J. (2007), "International human rights for mentally ill persons: The Ontario experience", **International Journal of Law and Psychiatry**, 30.